

نقش عرفای چشتیه در گسترش زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره

راهب عارفی^۱

(تاریخ دریافت: ۹۵/۰۱/۲۸، تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۴/۱۰)

چکیده

سه‌م عظیمی از گسترش زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره هند مرهون مجاهدت‌ها و تلاش‌های بی‌وقفه و مثال‌زدنی عرفای اسلامی - ایرانی، به‌ویژه عرفای سلسله چشتیه در شبه‌قاره هند است. با نگاهی به آثار علمی و ادبی و عرفانی عرفای چشتیه که اکثر آن به زبان فخیم فارسی است، خود بیانگر نقش مهم این سلسله عرفانی در پراکندن تخم زبان فارسی در شبه‌قاره هند است که امروزه پاکستان و بنگلادش هم جزئی از این شبه‌قاره به حساب می‌آید.

ما در این مقاله برای اثبات این موضوع که عرفای سلسله چشتیه در گسترش زبان فارسی در شبه‌قاره هند مساعی فراوانی داشته‌اند ابتدا به معرفی مشایخ پرکار و برجسته چشتیه که دارای تألیفات قابل توجهی بوده‌اند پرداخته‌ایم، سپس به معرفی آثار ارزشمند عرفای چشتیه که اغلب به زبان فارسی نگاشته شده‌اند اشاره کرده‌ایم. در این پژوهش از روش مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی تحلیلی استفاده کرده‌ایم.

با بررسی تصنیفات و تألیفات مشایخ عرفان چشتیه به این نتیجه رسیده‌ایم که سه‌م عظیمی از گسترش زبان فارسی در شبه‌قاره حاصل تلاش و مساعی بی‌دریغ این بزرگان عرفان و ادب اسلامی است.

واژه‌های کلیدی

عرفان چشتیه، زبان و ادبیات فارسی، شبه‌قاره، ملفوظات

۱- نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران @rashed1829@yahoo.com

مقدمه

از آن‌جا که دین اسلام به کمک و تلاش پی‌گیر ایرانیان به ویژه سلطان محمود غزنوی و عرفای مسلمان ایرانی به شبه‌قاره وارد شد است و این امر بر کسی پوشیده نیست که گسترش زبان فارسی هم در شبه‌قاره مرهون و نتیجه مجاهدات غازیان ایرانی و مسلمانان و به ویژه صوفیان ایرانی بوده است.

از زمانی که عرفان و تصوف اسلامی تمامی ایران را فراگرفته بود، حملات سلطان محمود غزنوی هم به هند مزید بر علت شد، اسلام و زبان فارسی با روح عرفان و تصوف ایرانی وارد سرزمین بزرگ شبه‌قاره شد. از آن زمان زبان فارسی به عنوان زبان رسمی درباری، دولتی، سیاسی، فرهنگی، علمی و ادبی در شبه‌قاره هند برگزیده شد و رواج پیدا کرد.

سلسله‌های تصوف اسلامی ایرانی هم‌چون سلسله چشتیه که در سال ۳۲۹ هجری به دست مبارک حضرت شیخ اسحاق شامی چشتی بنیان‌گذاری شد، سلسله قادریه به دست مبارک حضرت شیخ محی‌الدین عبدالقادر گیلانی (۴۷۰-۵۶۲ هـ) بنیاد نهاده شد، سلسله سهروردیه به دست مبارک حضرت شیخ ابونجیب ضیاء الدین عبدالقاهر سهروردی متوفی (۵۶۳ هـ) از هجرت بنیان‌گذاری شد و سلسله نقشبندیه به دست مبارک حضرت شیخ خواجه بهاء‌الدین محمد شاه نقشبند بخارایی (۷۲۸-۷۹۱ هـ)

تأسیس شد. که از خراسان بزرگ (افغانستان کنونی) و تمام ایران برخاستند. و به سرزمین‌های شرقی (نیم روز)، یعنی ابتدا به پاکستان امروزی سپس به هندوستان گسترش یافت.^۱

صدها صوفی و عارف از ایران مهاجرت کردند و به شبه‌قاره رفتند و در سراسر هندوستان بزرگ پراکنده شدند. سلسله‌های تصوف چشتیه و سهروردیه تقریباً هم‌زمان به سراسر شبه‌قاره رسیدند. مرکز سلسله چشتیه نخست، اجمیر و سپس دهلی شد، در صورتی که مرکز سلسله سهروردیه در شهر ملتان بود، سپس از آن‌جا به سایر شهرهای پاکستان و هند رسید. سلسله‌های قادریه و نقشبندیه اگر چه بسیار دیرتر یعنی سده‌های هشتم و نهم به آن دیار مهاجرت کردند اما تأثیر زیادی گذاشتند.

تمامی صوفیان و عارفان، چه ایرانی و چه هندی، زبان‌شان، فارسی بود. آن‌ها به زبان فارسی می‌نوشتند و می‌خواندند و تعلیم می‌دادند. زبان‌های فارسی و عربی جزئی از درس‌های اصلی مدارس بود و عربی تنها در بیان آیات و احادیث و اقوال متصوفه گذشته به کار می‌رفت. ولی زبان عمومی و غالباً، همان زبان فارسی بود. شایان توجه است از سده ششم و بعد از آن هرچه در زمینه عرفان و تصوف به رشته تحریر درآمده است، غالباً به زبان فارسی بوده است. و این امر به گسترش زبان و ادبیات فارسی در

۱- عارفی، راهب، اوراد و وظائف چشتیه، ۱۳۷۳: ص ۱۰، چاپ لاهور

شبه قاره کمک قابل توجهی کرده است. با مطالعه آثار برخی از بزرگان صوفیه در هندوستان می‌توان آن‌ها را صاحب سبک و شیوه دانست. این صوفیان هم در حوزه ادبیات منظوم و منثور، آثار گران قدری از خود به جا گذاشتند. شیوه تبلیغ و گسترش این سلسله‌های عرفانی به این ترتیب بود که آن‌ها با تاسیس خانقاه‌ها و حلقه‌های وعظ و ارشاد و درس به بیان مبانی عرفان اسلامی می‌پرداختند و اکثر مریدان آن‌ها را می‌نوشتند و یادداشت‌برداری می‌کردند، و این شیوه کار موجب شد تا کتاب‌هایی نوشته شود و به این شکل اسلام و زبان فارسی در مناطق مختلف شبه‌قاره گسترش یافت.

نخستین کتاب تصوف و عرفان، به زبان فارسی، «کشف‌المحجوب هجویری»، منهج‌الدین، اوراد، اسناد خلافت نامه‌ها، ملفوظات و دیوان اشعار و غیره بود که زبان فرهنگی مسلمانان شبه‌قاره شده بود و چنان تأثیر عمیقی در جوامع مختلف گذاشت که حتی هندوان نیز سهم بزرگی در توسعه زبان فارسی داشتند.

متأسفانه علی‌رغم وجود نسخ خطی فراوان هنوز کتاب جامعی درباره تاریخ کامل ادبیات فارسی شبه‌قاره هند نوشته نشده است. ولی در پاکستان کتاب تاریخ ادبیات فارسی در شش جلد نوشته شده است.

با این وجود در گوشه کنار بسیاری از شهرها و روستاهای هندوستان و پاکستان مقبره‌هایی

دیده می‌شود که به خط و زبان فارسی سنگ این مقبره‌ها حکاکی شده است. و یا در بسیاری از خانه‌ها و به‌ویژه کتابخانه‌های ملی و بزرگ این دو کشور که زمانی به عنوان شبه‌قاره هندوستان نامیده می‌شدند، به چشم می‌خورد.

نگاهی گذرا به سلسله عرفانی چشتیه

ملک‌الشعراى بهار در کتاب سبک‌شناسی درباره پیدایش تصوف می‌گوید: «در این که این مذهب از کجا و چه زمان در دایره اسلامیان پای نهاد، گفتگوهای بسیار است. و هنوز هم به جای مطمئنی نرسیده است، بعضی سلسله این مذهب را به پیغمبر و اصحاب صُفّه و ابوبکر صدیق و علی بن ابی‌طالب و دیگر یاران و صحابه و تابعین می‌رسانند.^۱»

سلسله عالیّه چشتیه قدیمی‌ترین و پیشکسوت‌ترین است، زیرا که این سلسله به دست مبارک حضرت شیخ ابواسحاق شامی چشتی متوفی در سال ۳۲۹ هـ بنیان‌گذاری شد که البته با توجه به سال وفات حضرت شیخ تقریباً در سال ۲۹۰ هـ این سلسله به میان آمده است.^۲ نخستین شیخ این سلسله در چشت شریف^۳ حضرت سید ابواحمد ابدال حسنی چشتی است و سلسله از وی به ابومحمد شاه زاهد چشتی رسید متوفی در سال ۴۱۱ هـ وی همان شخصیتی

۱- بهار، محمد تقی، سبک‌شناسی، ج ۲، ص ۱۷۹

۲- عارفی، راهب، اوراد و وظایف چشتیه، ۱۳۷۳: ص ۱۷، چاپ لاهور

۳- چشت قریه ایست در ۱۷۰ کیلومتری هرات افغانستان امروز، که مرقد پیران طریقت چشتیه به‌ویژه، خواجه قطب‌الدین مودود چشتی در آن جای دارد.

است که در دهه دوم قرن پنجم هجری در فتوحات اسلامی هند به کمک معنوی لشکر شاهنشاه غزنه محمود غزنوی شتافت.^۱

این سلسله دنباله سلسله اَدَهَمیه، منسوب به ابراهیم بن ادهم، است که در زمان ابواسحاق شامی (از مشایخ بزرگ صوفیه در اواخر سده سوم و اوایل سده چهارم) به چشتیه معروف شد.^۲ بنا بر روایتی، شجره این سلسله به حضرت علی علیه‌السلام می‌رسد.^۳

این سلسله در شبه‌قاره از پرجمعیت‌ترین سلسله‌های صوفیه این نواحی است و اکثر پیروان آن حنفی مذهب‌اند، با این حال ارادشان به حضرت علی علیه‌السلام درخور توجه است.^۴ ابواسحاق شامی با اجازه پیر خود، خواجه مَمَّشاد علو دینوری، برای ارشاد مردم چشت، از بغداد به آن جا رفت^۵ و ظاهراً از آن پس این سلسله به چشتی معروف شد.

در قصبه چشت، خواجه ابواحمد ابدال چشتی با وی مصاحبت داشت^۶ و پس از مرگ ابواسحاق، جانشین او گردید. بعد از خواجه ابواحمد ابدال، به ترتیب خواجه ابومحمد چشتی (متوفی ۴۱۱)،

خواجه ابویوسف بن سیمان (متوفی ۴۵۹)، خواجه قطب‌الدین مودود چشتی، حاجی شریف زندنی (متوفی ۶۱۲)، خواجه احمد بن مودود (متوفی ۵۷۷) و خواجه عثمان هارونی (متوفی ۶۱۷) در چشت و دیگر نواحی خراسان بزرگ بر مسند ارشاد نشستند.^۷

بدین ترتیب، شکل‌گیری این سلسله در چشت از قرن چهارم صورت گرفت و تا قرن هفتم ادامه یافت و از قرن ششم به تدریج از ناحیه هرات و خراسان بزرگ به شبه‌قاره گسترش پیدا کرد.

با رحلت مریدان خواجه مودود، تصوف در چشت رو به افول نهاد و عده‌ای از مریدان، با ظهور ترکان غوری و منازعات آنان، به مناطق دیگر رفتند، از جمله به شهر اجمیر در ایالت راجستان هند. این شهر پس از ورود خواجه معین‌الدین سجزی چشتی، مرید و خلیفه خواجه عثمان هارونی، پایگاه چشتیه شد.

خواجه معین‌الدین سجزی

خواجه معین‌الدین سلسله چشتیه را در هند بنیان نهاد و اصول و مبانی آن را در اجمیر، مسند قدرت چوهان (از قبایل ساکن در شمال هند پیش از آمدن مسلمانان)، تدوین کرد. به نوشته جامی^۸ نخستین فرد از این سلسله که به هند سفر کرد، خواجه محمد بن ابواحمد چشتی بود که همراه سلطان محمود در جنگ سومنات

۱- به برکت خواجه ابومحمد شاه زاهد چندین قبیله هندو مسلمان شدند، جامی در نفحات‌الانس، غلام سرور در لاهور در خزینهاالاصفیا و نویسنده معاصر دکتر غلامعلی آریا در کتاب طریقه چشتیه به این موضوع تأکید می‌کند.

۲- آریا، غلامعلی، طریقه چشتیه در هند و پاکستان، ج ۱، ص ۶۹
۳- محمد بن مبارک میرخورد، سیرالاولیاء در احوال و ملفوظات مشایخ چشت، ج ۱، ص ۴۱

۴- همان: ص ۱۸-۲۲

۵- غلام سرور لاهوری، خزینة الاصفیا، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۴۰ و داراشکوه باری، سفینة الاولیاء، ج ۱، ص ۸۹

۶- جامی، نفحات‌الانس، ج ۱، ص ۳۲۸

۷- داراشکوه باری، سفینة الاولیاء، ج ۱، ص ۸۹-۹۲ و غلام سرور لاهوری، خزینة الاصفیا، ج ۱، ص ۲۴۰

۸- جامی، نفحات‌الانس، ج ۱، ص ۳۲۹

وی در نواحی دکن، سبب گسترش سلسله چشتیه در سرزمین هند و نیز ترویج زبان فارسی شدند و برای تجدید روابط فرهنگی بین گروه‌های مختلف فضای مطلوبی ایجاد کردند. افزون بر این، سهم مشایخ چشتیه در ترویج اسلام در شبه‌قاره، به عنوان اصلاح‌گران اجتماعی و مبلغان ارزش‌های اسلامی، درخور توجه و اهمیت بسیار است.^۵

این سلسله در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم، در دوره نصیرالدین چراغ دهلی، به اوج معنوی رسید و با مرگ وی، این اعتلا رو به انحطاط و زوال نهاد و از آن پس، کمتر پیر یا مرشدی توانسته است موجبات پیشرفت و شهرت پیشین چشتیه را فراهم سازد.

خواجه معین‌الدین پس از عمر طولانی (۵۳۱ یا ۵۳۷ هـ ۶۳۳ هـ) نزدیک به نود و هفت سال در اجمیر، جان به جهان آفرین تسلیم کرد و مریدان زیادی را تربیت کرد. مانند: سلطان شمس‌الدین التتمش (پادشاه هندوستان) و جانشین وی قطب‌الدین بختیار کاکی اوشی معروف هستند. تألیفات: تالیفات خواجه معین‌الدین را که در تذکره و کتاب‌های تاریخ نام برده‌اند چنین‌اند:

- ۱- رساله در کسب نفس ۲- رساله وجودیه
- ۳- حدیث‌المعارف ۴- گنج اسرار و غیره همه این کتاب‌ها به او منسوبند. اما تألیف حقیقی وی «انیس‌الارواح» را نام برده‌اند.^۶

۵- داراشکوه باری، سفینه‌الاولیا، ج ۱، ص ۱۰۱ و آریا، غلامعلی، طریقه چشتیه در هند و پاکستان، ج ۱، ص ۳۰
 ۶- خلیق‌احمد نظامی، تاریخ مشایخ چشت، ج ۱، ص ۲۴۱، ج ۱
 ۷- ندوی، مسعودعلی صاحب، بزم صوفیه ص ۵۳

شرکت کرد، اما سندی در دست نیست که نشان دهد وی در هند پیروانی یافته است؛ بنابراین، مؤسس و مروج سلسله چشتیه در هند، خواجه معین‌الدین بود. معین‌الدین در ۵۶۱ هـ، پس از سفرهای طولانی، سرانجام به اجمیر رفت.^۱ او با انتخاب شهر اجمیر به عنوان پایگاه چشتیه، از سنت پایه‌گذاران سلسله چشتیه تبعیت کرد که برای فعالیت‌های خود، به جای مراکز مهم قدرت سیاسی در ایران و آسیای مرکزی، شهرهای دورافتاده را انتخاب می‌کردند بنابراین، اهالی اجمیر و بسیاری از هندوان دیگر، سال‌ها پیش از آشنایی با دیگر سلسله‌های تصوف، با چشتیه آشنا شدند.^۲

در قرن هفتم، پس از اجمیر، ناگور (ناحیه‌ای در راجستان هند) با حضور حمیدالدین صوفی سعیدی ناگوری و یکی از اخلافش به نام خواجه حسین ناگوری، و دهلی با حضور قطب‌الدین بختیار کاکی، از مراکز مهم تصوف چشتی شدند. پس از قطب‌الدین بختیار، شیخ بدرالدین و شیخ فریدالدین گنج‌شکر در اجودهن^۳، خواجه نظام‌الدین اولیاء و دو خلیفه وی^۴ در بنگال و دکن، شیخ نصیرالدین محمود، معروف به چراغ دهلی در دهلی، و سیدمحمد گیسودراز و اخلاف

۱- حامدین فضل‌الله جمالی دهلوی، سیرالعارفین، ج ۱، ص ۵ و محمدقاسم‌بن غلامعلی فرشته، تاریخ فرشته (گلشن ابراهیمی)، ج ۲، ص ۳۷۷
 ۲- محمدقاسم‌بن غلامعلی فرشته، تاریخ فرشته (گلشن ابراهیمی)، ج ۲، ص ۳۷۷ و آریا، غلامعلی، طریقه چشتیه در هند و پاکستان، ج ۱، ص ۶۹-۷۰
 ۳- شریف‌التواریخ، ج ۱، تاریخ الاقطاب، ص ۱۱۷
 ۴- عبدالرحمن، صبالدین، بزم صوفیه، ص ۲۶

انیس‌الارواح ملفوظات شیخ عثمانی هارونی است که خواجه معین‌الدین نوشته است. این ملفوظات مربوط به ۲۸ جلسه از سخنان شیخ هارونی پیر و مرشد خواجه معین‌الدین است. اگر چه کتب دیگر را به وی منسوب کرده‌اند اما نمی‌توان به یقین از وی دانست انیس‌الارواح نخستین ملفوظی است که در شبه‌قاره نوشته شد.

خواجه قطب‌الدین بختیار کاکای اوشی
خواجه قطب‌الدین بختیار کاکای در قصبه اوش (ماوراءالنهر) متولد شد. نامش بختیار و لقبش قطب‌الدین اما معروف به خواجه کاکای بود. او از خاندان سادات حسینی بود که شجره نسب وی به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌رسند. او پس از عمر طولانی و تبلیغ اسلام و عرفان در سال ۶۳۴ هـ در یک مجلس سماع که قوالان بیت زیر شیخ احمد جام ژنده‌پیل را می‌خواندند جان به حق تسلیم نمود.
کشتگان خنجر تسلیم را

هر زمان از غیب جانی دیگر است
نماز جنازه وی را سلطان شمس‌الدین التتمش خواند و در دهلی مزار وی مرجع و زیارتگاه خلایق می‌باشد.^۱

تألیفات

دیوان شعر فارسی به وی منسوب است که به چاپ رسیده است.
مثنوی به نام «می‌رنگ» نیز به او منسوب است.

دلیل‌العارفین ملفوظات خواجه معین‌الدین چشتی اجمیری (مراد و مرشد وی) که در سال (۱۳۰۶ هـ / ۱۸۸۹ م) در چاپ‌خانه نولکشور به چاپ رسید و بار دیگر در مطبع مجتبیایی دهلی طبع شد.

این ملفوظات مشتمل بر یازده مجلس و دیگری مشتمل بر دوازده مجلس است.

خواجه فریدالدین مسعود «گنج شکر»
یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین خلفای خواجه قطب‌الدین بختیار کاکای خواجه فریدالدین مسعود به ملقب به «گنج شکر» است. خواجه فرید که اجدادش از ماوراءالنهر آمده در ملتان ساکن شده بودند. او در سال ۵۸۴ هجری در قصبه کهوتووال متولد شد.^۲

تألیفات

ملفوظات خواجه قطب‌الدین بختیار کاکای اوشی، مراد خواجه فرید به نام «فوائد السالکین» جمع‌آوری کرد.

دیوان اشعار فارسی
دوبیتی‌های پنجابی از وی به یادگار مانده است.

خواجه نظام‌الدین اولیا دهلوی

نامش محمد و القابش «محبوب الهی» سلطان المشایخ، سلطان الاولیا، سلطان السلاطین و نظام‌الدین بود. نسب وی به حضرت علی (ع) می‌رسد.

۲- میرخورد، سیرالاولیاء، ص ۱۰۱

۱- تاریخ اجتماعی و علمی، سیدمعین‌الحق، ص ۷۴

معین‌الدین چشتی و خواجه قطب‌الدین بختیار کاکای و هم چنین از خواجه نظام‌الدین اولیاء دهلوی خرقة‌های خلافت دریافت داشت. چون او مدتی قاضی شهر تاگور بود. بدین علت او را قاضی می‌گفتند.

قاضی حمیدالدین در سال ۶۴۱ هـ در حالت نماز و سجده وفات یافت.^۳ بنابر دانش و علم و عرفان به او لقب «ابوسفیان ثوری ثانی» داده‌اند.

تألیفات

طوالع الشموس: معروف‌ترین کتاب وی در علم سلوک و عرفان می‌باشد که در این کتاب نود و نه اسم صفاتی خدای بزرگ و برتر را شرح گفته است. این کتاب در دو جلد نوشته شده و در لطایف اشرفی ذکر آن به این صورت آمده است:^۴ طالع (طوالع) الشموس که مطلع شمس حقایق و منبع کیوس دقایق است از وی سر زد که آن مقدار معارف و عوارف که از طوالع طالع می‌گردد در دیگر کتاب یافته نمی‌شود. امروز در جمیع ملل و نحل دستور و سند شده است. راحت‌الارواح: این کتاب در تصوف و عرفان است در طوالع‌الشموس نام وی را می‌آورد.

تواریخ: نام این کتاب به همین صورت آمده است و شاید همان لوائح باشد که در ملفوظات خواجه فریدالدین مسعود گنج شکر نوشته است.^۵

خاندان شیخ نظام‌الدین از بخارا هجرت کرده به لاهور آمد و از آن‌جا به بدایون رفت. شیخ نظام‌الدین در سال ۶۳۴ هجری در همان شهر (بدایون) تولد یافت.^۱

تألیفات

راحت‌القلوب: ملفوظات شیخ فریدالدین مسعود گنج شکر، مراد و مرشد سلطان‌المشایخ، است که خواجه نظام‌الدین آن‌ها را جمع‌آوری کرده است. او با ادب فارسی علاقه زیادی داشت. این کتاب درباره عرفان و علم است. نمونه نثر:

«سخن در فضیلت علم افتاده بود. بر لفاظ مبارک راندند که علم فاضل‌ترین از جمله عبادت‌هاست نزدیک خدای تعالی از حج و نماز و جز آن. آن‌گاه شیخ‌الاسلام چشم پرآب کردن که علم عالمان بدانند و زهد زاهدان بدانند و کار ازین هر دو بدانند که هم عالم باشد و هم زاهد»^۲ و فرموده‌های خودش را چند تن از شاگردان و مریدان به صورت ملفوظات نوشته‌اند. مانند: فواید‌الغواد: از امیرحسین سنجری (شاعر سده هفتم و برادرخوانده امیرخسرو دهلوی) افضل‌الغواید: نوشته امیرخسرو دهلوی راحت‌المحبین: از نویسنده نامعلوم

قاضی حمیدالدین ناگوری

یکی دیگر از عارفان برجسته سلسله چشتیه، قاضی حمیدالدین ناگوری است که از خواجه

۳- تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، ج ۳، ص ۱۰۵

۴- لطایف اشرفی، ص ۳۶۸

۵- جمالی دهلوی، سیرالعارفین، ص ۸۹

۱- تاریخ فرشته، ج ۲، ص ۳۹۱

۲- راحت‌القلوب، ملفوظات، ص ۳۲

شیخ حمیدالدین صوفی ناگوری

شیخ حمیدالدین صوفی ناگوری یکی از عرفای زمان خود و سده هفتم هجری از سلسله چشتیه است. او از خلفای خواجه معین‌الدین اجمیری می‌باشد که لقب «سلطان التارکین» داشت زیرا هیچ‌گاه به معاملات و مال و منال دنیا توجه نکرد و در یک کلبه گلی و کاهی زندگی می‌کرد.

چون حمیدالدین در هیچ معامله دنیاوی دخالت و صحبت نمی‌کرد لذا مرشد وی خواجه معین‌الدین چشتی وی را لقب «سلطان التارکین» داده بود.^۱

تالیفات

اصول الطریقه: کتابی است دینی و عرفانی به زبان فارسی از شیخ حمیدالدین صوفی ناگوری که در آن بندگان خدا را به سه دسته و طبقه تقسیم کرده است. مانند: بندگان معذور، بندگان مشکوره؛ بندگان فانی، و هم‌چنین مراتب مختلف تصوف و عرفان را درجه‌بندی کرده است. مانند: علم، نخستین درجه عرفان است و در مراتب این راه، دومین درجه عمل است و سومین نیست، درجه چهارم صدق، درجه پنجم عشق، درجه ششم توبه، درجه هفتم سلوک و درجه هشتم حضور است. او در این کتاب همه درجات و مراتب را توضیح داده است.

پنج رساله: در پرسش و پاسخ بعضی سؤال‌های عرفانی است.

مکتوبات: اکثر این مکتوبات به نام شیخ بهالدین زکریا ملتانی نوشته شدند و در اکثر این‌ها مسأله فقر و غنا مطرح و بحث شده است که بهترین نمونه فصاحت و بلاغت شمرده می‌شوند. عبارات عربی و رباعیات را به کار برده است که باعث تازگی و دلکشی شده و نام متعدد کتاب‌ها به عنوان منابع و مأخذ آورده است. مریدان خویش را به خواندن کتاب کیمیای سعادت تلقین می‌کنند.

مونس‌الارواح: در کتاب تحفه‌الابرار، کتاب دیگری به نام «مونس‌الارواح» از وی نام برده‌اند.^۲

شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر پانی‌پتی

یکی دیگر از بزرگان تصوف و عرفان که بسیار با جلال و جبروت، و عین حال مجذوب بوده شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر پانی‌پتی است. او در سال ۶۰۵ هـ به دنیا آمد و او را در زمره اولیای مجذوب شمرده‌اند.

بوعلی شاه‌قلندر در تاریخ ۱۴ رمضان ۷۲۴ هـ / ۱۳۲۴ هـ وفات یافت و در پانی‌پت به خاک سپرده شد. مزار وی زیارتگاه اهل دل است. ماده تاریخ وفات از جمله «یا شرف‌الدین ابدال» برمی‌آید.

او در زمان حیات خود هندوان راجپوت پانی‌پت را به اسلام مشرف گرداند.^۳

۲- سلطان التارکین، ص ۱۱۴

۳- تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، ص ۱۰۹

۱- همان، ص ۱۱۴

تألیفات

۱. مکتوبات بوعلی قلندر به نام اختیارالدین (یکی از ملازمان شاهی) در موضوع پند و اندرز و اسرار توحید.
۲. حکم‌نامه شرف‌الدین (منسوب به وی) زندگی‌نامه خود و مسائل تصوف و مشاهدات و واردات شخصی.
۳. مثنوی کنزالاسرار موضوع به رساله عشقیه.
۴. مثنوی بوعلی‌شاه قلندر که در لاهور به چاپ رسید (مثنوی بوعلی‌شاه قلندر) به نام «گل رعنا».

دسته‌بندی آثار مشایخ چشتیه

یکی از عوامل گسترش زبان فارسی در شبه‌قاره، سلسله چشتیه و آثار متعدد آن است. این آثار به چند بخش تقسیم می‌شوند: ملفوظات (سخنان مشایخ)، مکتوبات (نامه‌های مشایخ)، تألیفات درباره آداب و اعمال عرفانی، تذکره‌ها و شرح احوال مشایخ.

ملفوظات مهم‌ترین آثار مشایخ چشتیه

طبق سنتی، مریدان برجسته در مجالس پیران خود حضور می‌یافتند و سخنان آنان را یادداشت می‌کردند. این ملفوظات، علاوه بر جنبه ادبی و عرفانی، از نظر تاریخی نیز حائز اهمیت و بیانگر افکار و اعمال مشایخ چشتیه‌اند. از جمله این ملفوظات است:

انیس‌الارواح یا انیس دولت، کلمات

خواجه عثمان، که از قدیم‌ترین ملفوظات موجود و منسوب به خواجه عثمان هارونی است و خواجه معین‌الدین چشتی، خلیفه وی، آن را گردآورده است.^۱

دلیل‌العارفین، سخنان خواجه معین‌الدین چشتی، که خواجه قطب‌الدین بختیار آن‌ها را به صورت کتابی تدوین کرده است.^۲

فوائد‌السالکین، سخنان خواجه قطب‌الدین بختیار، که بابا فریدالدین گنج شکر آن‌ها را گردآورده است.^۳

اسرارالاولیاء، ملفوظات بابا فرید، که یکی از مریدان وی به نام بدراسحاق آن‌ها را گردآوری کرده است.^۴ فوائدالفؤاد، که یکی از مهم‌ترین ملفوظات موجود از امیرحسین دهلوی، شاعر معروف پارسی‌گوی هند و مرید خواجه نظام‌الدین اولیاء، است که سخنان پیر خود را گردآورده است.^۵

افضل‌الفواید، سخنان خواجه نظام‌الدین، که امیرخسرو دهلوی آن‌ها را جمع کرده است.^۶

۱- احمد منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۳، ص ۱۲۹۴-۱۲۹۵ و آریا، غلامعلی، طریقه چشتیه در هند و پاکستان، ج ۱، ص ۱۰۰-۱۰۱

۲- نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، ج ۱، ص ۱۵۴ و نوشاهی، عارف، فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش، ج ۱، ص ۱۶۳

۳- آریا، غلامعلی، طریقه چشتیه در هند و پاکستان، ج ۱، ص ۱۰۸ و خلیق احمد نظامی، تاریخ مشایخ چشت، ج ۱، ص ۱۵۷، ج ۱

۴- نوشاهی، عارف، فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش، ج ۱، ص ۱۵۹ و خلیق احمد نظامی، تاریخ مشایخ چشت، ج ۱، ص ۱۵۷، ج ۱

۵- نوشاهی، عارف، فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش، ج ۱، ص ۱۶۵ و آریا، غلامعلی، طریقه چشتیه در هند و پاکستان، ج ۱، ص ۱۴۴

۶- همان منبع، ص ۱۴۲

خیرالمجالس، از شیخ نصیرالدین محمود چراغ دهلی، که شاعری به نام حمید قلندر آن‌ها را گردآوری کرده است.^۱

جوامع‌الکلم، از ملفوظات سیدمحمد گیسودراز، که آن را فرزند و مریدش، سید محمد اکبر حسینی، جمع‌آوری کرده است.^۲

به‌طورکلی، گردآوری ملفوظات، که بیشتر به فارسی بود، پس از پایان دوره اعتلای چشتیه و تا این اواخر، روشی معمول بود، اما به تدریج گردآوری ملفوظات به‌زبان فارسی از رونق افتاد و اگر هم ملفوظاتی باشد به زبان اردوست.

مکتوبات

صحائف‌السلوک، رقعات منسوب به شیخ نصیرالدین چراغ‌دهلی.^۳

بحرالمعانی، نامه‌های محمدبن نصیرالدین جعفر مکی مرادآبادی.^۴

مکتوبات اشرفی، نامه‌های سید اشرف جهانگیر سمنانی^۵ مکتوبات عبدالقدوس گنگوهی^۶

و مکتوبات کلیمی، از شیخ کلیم‌الله جهان‌آبادی.^۷
در باره آداب و اعمال عرفانی نیز کتاب‌ها و

رساله‌های متعددی تألیف شده، که از آن جمله است:

رساله‌ای در تصوف از معین‌الدین چشتی^۸،

ملهمات شیخ جمال‌الدین هانسوی،

مخ‌المعانی امیرحسن دهلوی،

و اصول‌السماع فخرالدین زرّادی در شرح

مجالس سماع.^۹

تذکره‌ها

سیرالاولیاء، نوشته میرخورد، قدیم‌ترین تذکره مشایخ متقدم چشتیه در قرن هشتم است که در ۱۳۵۷ ش در لاهور چاپ شد و در اواخر قرن سیزدهم خواجه گل‌محمد احمدپوری بر آن تکمله نوشت.

سیرالعارفین، از جمالی دهلوی، که در ۱۳۱۱ در دهلی به چاپ رسید.

رساله احوال پیران چشت، از بها معروف به راجا. سیرالاقطاب، اثر هدیه‌بن عبدالرحیم چشتی عثمانی، که در ۱۳۳۱ در لکهنو منتشر شد. روضه الاقطاب از محمد بولاق. مناقب فخریه از میرشهاب‌الدین نظام.

آثار منظوم مشایخ چشتیه

دیوان‌هایی به خواجه معین‌الدین چشتی و خواجه قطب‌الدین بختیار نسبت داده‌اند که در صحت انتساب آن‌ها تردید وجود دارد.^{۱۰}

۸- منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۳، ص ۱۴۴۳-۱۴۴۴ و آریا، غلامعلی، طریقه چشتیه در هند و پاکستان، ج ۱، ص ۱۳۷

۹- همان: ص ۲۵۵۹

۱۰- نوشاهی، عارف، فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش، ج ۲، ص ۱۳۰ و صباح‌الدین عبدالرحمان، بزصوفیه، ص ۱۲۶

۱- منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۳، ص ۱۴۴۳-۱۴۴۴ و آریا، غلامعلی، طریقه چشتیه در هند و پاکستان، ج ۱، ص ۱۳۷

۲- منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۳، ص ۱۳۸۸ و آریا، غلامعلی، طریقه چشتیه در هند و پاکستان، ج ۱، ص ۱۷۹، تهران: ۱۳۶۵ ش

۳- نوشاهی، عارف، فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش، ج ۱، ص ۱۶۹

۴- منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۳، ص ۱۳۱۵

۵- همان: ص ۱۹۷۹

۶- همان: ص ۱۹۹۶

۷- نوشاهی، عارف، فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش، ج ۱، ص ۱۷۷-۱۷۸

دیوان مسعود بک؛ تحفه النصائح، از یوسف گدا؛
و دیوان نیاز از شاه نیاز احمد^۱.

پرکارترین شخصیت چشتیه^۲

حضرت مخدوم الملک بهاری شیخ شرف‌الدین یحیی منیری در صف پرآثارترین شخصیت‌های اسلام قرار دارد، لیکن بسیاری از آثار حضرت، شامل رسایل و کتب و تألیفات و غیره به علت تغافل مردم و گذشت روزگار طولانی، از بین رفته حتی نام بسیاری از آن‌ها در کتب رجال و در سوانح بزرگان محفوظ نمانده است، کتاب‌هایی که یافت می‌شود یا در تصانیف آن حضرت به نام‌هایشان برمی‌خوریم به قرار زیر است:

- ۱- راحة القلوب ۲- اجوبه ۳- فواید رکنی
- ۴- ارشاد الطالبین ۵- ارشاد السالکین ۶- رساله مکیه ۷- معدن المعانی ۸- لطایف المعانی
- ۹- اشارات ۱۰- مخ‌المعانی ۱۱- خوان پرنعمت
- ۱۲- تحفه غیبی ۱۳- رساله در طلب طالبان
- ۱۴- ملفوظات ۱۵- زادسفر ۱۶- عقائد شرفی
- ۱۷- فواید مریدین ۱۸- بحر المعانی ۱۹- صفرالمظفر ۲۰- کنز المعانی ۲۱- گنج لایفنی
- ۲۲- مؤنس المریدین ۲۳- شرح آداب المریدین^۳.

لیکن بزرگ‌ترین یادگار و نمایان‌گر علوم رتبت و مقام تحقیق و اجتهاد آن حضرت همان

مکتوبات آن حضرت است، و به نام «مکتوبات سه صدی» و غیره به دست می‌آید.

مکتوبات و ارزش علمی و ادبی آن

یادگار زنده حضرت مخدوم ۶ و آیینه علوم و کمالات آن حضرت مجموعه نادر مکتوبات‌شان می‌باشد، که نه تنها در تصانیف آن عصر بلکه در سراسر دایره المعارف ذخایر حقایق و معارف اسلامی امتیاز ویژه‌ایی دارد. ژرفای علم و دانش و تحقیقات نادر، در گره‌گشایی مشکلات، تجربه‌های شخصی، علم و بصارت و نظر مجتهدان، فهم صحیح و عمیق کتاب و سنت، بیان حرمت و عظمت مقام نبوت، حمایت از شریعت، و نکات وجدآفرین از لحاظ لطایف شرعی، در همه کتاب‌های اسلامی ما، نظیر مکتوبات حضرت مخدوم و شیخ احمد سرهندی **مُجدِّد الف ثانی** «در علم محدود ما» نمی‌گنجد.

مجموعه مکتوبات و گیرنده نامه‌ها

مشهورترین و رایج‌ترین مجموعه از مکتوبات حضرت شیخ منیری همان نامه‌هایی است که به نام قاضی شمس‌الدین حاکم شهرستان چوسه^۴ نوشته و صدور یافته است.

این مجموعه مشتمل بر یکصد مکتوب می‌باشد که گاهی به نام مکتوبات حضرت شیخ شرف‌الدین یحیی منیری چاپ شده و زمانی به نام «مکتوبات سه صدی» و احیاناً به نام «مکتوبات صدی»

۴- چوسه در عهد حضرت مخدوم موضعی مرکزی و معروف بوده لیکن حال جزء حومه ضلع شاه‌آباد تحت فرمانداری پتنه و روستایی غیرمشهور است.

۱- نوشاهی، عارف، فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش، ج ۲، ص ۱۳۰۲
۲- ندوی، سید ابوالحسن علی، ترجمه الدعوه و العزیمه فی الاسلام، ج ۳، تحت عنوان پرچمداران نهضت اسلامی در شبه قاره هند، مترجمین راهب عارفی، سید احمد مودودی، تلخیص ص ۲۴۸-۲۴۰
۳- سیره الشرف، نزهة الخواطر و غیره

مسمی شده تهیه و به وسیله معتمد خاص حضرت شیخ به نام زین بدر عربی منتشر شده است. وی در مقدمه این مجموعه می‌گوید: «بنده ضعیف زین بدر عربی می‌گوید: «قاضی شمس‌الدین حاکم قصبه جوسه که از زمره مریدان حضرت شیخ است، بارها به حضرت مخدوم نامه نوشته است که: «این غریب به علت وجود موانع، از حاضر شدن در مجلس حضرت مخدوم و شرف صحبت که وسیله حصول علوم و معارف است محروم است، و دور از آن حضرت در گوشه افتاده، التماس دارد که در هر باب از علم سلوک مطابق به فهم و استعداد بنده، جزئی چند به رشته تحریر درآید، تا که این دور افتاده از محضر آن پیر طریقت استفاده کند». این پیشنهاد که با اخلاص و الحاح زیاد صورت گرفته بود، به عزّ قبول رسید، و حضرت مخدوم در بیان مراتب و مقامات سالکین و احوال و معاملات مریدین به قدر ضرورت به قلم آورد. و درباره توبه و ارادت، توحید و معرفت، عشق و محبت، گردش و روش، کشش و کوشش، بندگی و عبودیت، تجرید و تفرید، سلامت و ملامت، پیر و مرید، مضامین نهایت ضروری و مفید و هدایت و ارشادگری، حکایت و داستانهای سلف و بزرگان گذشته و احوال و اعمال شان، به شکل ذخیره‌یی گران‌بها به رشته نگارش درآورد. این نامه‌ها در ماههای مختلف سال ۷۲۷ هجری قمری از بهار به قصبه و منطقه چوسه فرستاده می‌شد خدام و حاضرین خانقاه نقل‌ها و نسخه‌هایی از این نامه‌ها برداشتند و آن را تدوین و مرتب نمودند تا باشد

اصحاب توفیق و طالبان صادق و آیندگان از آن بهره‌مند شوند.

قاضی سر نشانه شد و خود جهانبان

سرماپه‌ها برند همه زین نقود غیب

یارب از این نقود سره دانقی ببخش

ما را که قلب و ناسره هستیم پر زعیب

مجموعه کوتاه دیگری نیز به نام مکتوبات جوابی منتشر شده است که بقایای همان مکاتیبی است که به نام شیخ مظفر در پاسخ به عرایض وی نوشته شد، و در آن بیشتر حل مشکلات به وجود آمده در راه سلوک و بیان ترقیات و کیفیات آن است و از آن می‌توان به استعداد عالی شیخ مظفر و انعامات الهی بروی پی برد، شیخ مظفر وصیت نموده بود که نامه‌های مذکور با او مدفون شود. اتفاقاً نظر بعضی از خدام بر مقداری از آن‌ها افتاده و آنان از آن نسخه‌ای برداشتند، این بخش از مکتوبات به نام جوابی موسوم می‌باشد و در آن بیست و هشت مکتوب ذکر شده است سومین مجموعه مکتوبات عبارت از نامه‌هایی است که به عنوان اشخاص و افراد مختلف صادر شده در حدود یکصدوپنجاه‌وسه مکتوب است، این نامه‌ها در بین ماه‌های جمادی‌الاول سنه ۷۶۹ هـ و رمضان المبارک سنه ۷۶۹ هـ موقوف شده است، نام‌های تعدادی از گیرندگان قرار ذیل است:

شیخ عمر ساکن قصبه آنگلی، قاضی شمس‌الدین، قاضی زاهد، مولانا کمال‌الدین، سنتوسی، مولانا صدرالدین، مولانا ضیاء‌الدین،

مولانا محمود سنگانی، شیخ محمد ظفرآبادی، معروف به دیوانه، ملک الامراء، ملک مفرح، مولانا نظام‌الدین، داود ملک داماد، سلطان محمد، مولانا نصیرالدین، امین‌خان، ملک خضر، شیخ قطب‌الدین، شیخ سلیمان، سلطان فیروز شاه.

مأخذ مضامین

خواننده از مطالعه مکاتبات حضرت شیخ شرف‌الدین یحیی منیری به سادگی احساس می‌کند که این علوم متعالی، این نکات نادر و تحقیقات ژرف، تنها نتیجه ذکاوت و وفور علم و تدقیق و مطالعه نویسنده نبوده است، بلکه نتیجه تجارب ذاتی و ذوق و یقین آن حضرت است. بارگاه علوی خدا، شأن بی‌نیازی. داوری و کبریایی او، جلال و جمال، خوف و رجای مؤمن، ناز و گداز عارفین و واصلین درگاه، سرور و اندوه، امواج متلاطم دریای رحمت و آن‌چه در ضروریات توبه و انابت الی‌الله نوشته شده به صراحت بیانگر این ادعا است که به قلم یکی از محرمان راز و آشنایان حقیقت رقم خورده است. هم‌چنین، آن‌چه در رابطه با رفعت و بلندی مقام والای انسانیت وسعت و فراخی و عظمت قلب انسانی، قدر و قیمت بلندپروازی انسان، عروج و سیر آن، مشکل‌پسندی و عنقا مشربی، و علوهّمّت و قوّت طلب، مکتوباتی متین و مستحکم و نیرومند، بر صفحه کاغذ ظاهر شده، قابلیت آن را دارد که در ردیف اعلی‌ترین نوشتار درآید.

آن‌چه درباره مغالطه نفس، فریب شیطان، و

راه‌های نفوذ اخلاق رذیله و جاده‌های سلوک، ارشاد گردیده است همه مبنی بر تجارب وسیع و طولانی، علم و دانش ژرف و آگهی او است، و اهل طریقت را هم از موارد اشتباه در معمولات‌شان تنبیه و آگاه نموده و ضرورت شریعت و همیشه باقی ماندن تکالیف شرعی و آن‌چه مبنی بر ترجیح نبوت بر ولایت و بیان عظمت مقام نبوت تحریر شده برای دانستن قدر و قیمت آن ضروری است تا آن عصر و محیط و شرایط حاکم بر آن محیط دانسته و مطالعه شود.

نتیجه‌گیری

از مطالعه و بررسی مکاتیب مذکور و آثار مشایخ بزرگ چشتیه به این نتیجه می‌رسیم که: عرفا و محققین امت محمدی (ص) به چه مقامی شامخ و عالی رسیده و فکرشان چه پرده‌هایی را شکافته و وارد چه میدان‌ها و معارجی شده‌اند، و آن‌ها در معرفت الهی، ایمان و یقین، مشاهده و ادراک، تصفیه قلب و تزکیه نفس و در دریافت لطایف و ذکاوت روح، تاریکی‌های اخلاق و نقاط ضعف نفس انسانی و اشتباهاتش، تا کجا ترقی کرده و به فتوحات فایض شده‌اند. شاهین بلندپرواز نیروی فکری ذکاوت آنان، بر شاخه‌های بلند و قله شامخ سکنی گزیده‌اند، و در چه فضاهایی پرواز نموده‌اند. علوم و معارف این مکاتیب، الگوهای اعلا، از قلم، قوت بیان و حُسن انشاء و نگارش آنان حکایت دارد. قطعات آن سزاوار آن است که در ردیف بهترین نوع ادبیات جهان

و در قطار ادب عالی محسوب شود. این ظلم بر بسیاری از آثار ادبی دنیا روا داشته شده است که تنها عده‌ای از شخصیت‌ها را ادیب و دارای اسلوب و انشاء و نویسندگی پنداشته‌اند، و نوشتار و نتایج فکرشان را برای نمونه و شاهکار ادبی پذیرفته‌اند. چون آن‌ها ادب و انشاء را جهت شغل و یا وسیله‌یی برای اظهار کمال انتخاب نموده‌اند یا در زمان‌های گذشته به دربار ارتباط داشته و شغل و سمتی تحریری به آن‌ها سپرده شده بود، یا آن‌ها که در نگارش از تکلف و تصنع استفاده کردند. در تاریخ ادبیات عرب می‌بینیم نویسندگی به منزله شخص دارای اسلوب معرفی می‌شود. مثلاً: عبدالحمید الکتب، ابواسحاق الصابی ابن العمید، صاحب‌ابن‌عباد، ابوبکر خوارزمی، ابوالقاسم حریری. در حالی که بیشترین بخش از نوشتار آن‌ها، مصنوعی و خودساخته بوده، فاقد روح و زندگی و خالی از تأثیر است، و در مقابل آن‌ها امام محمد غزالی، ابن جوزی، ابن رشد، شیخ محی‌الدین بن عربی، ابوحنیفان توحیدی، ابن‌قیم، ابن‌خلدون، به مراتب مستحق‌تر به داشتن اسلوب و انشاء‌اند. در آثار و تصانیف این رادمردان و زعمای بزرگ علم و عرفان اسلامی، انشای صحیح و قوی تصویر دلکش و نهایت دلربایی، خیالات و جذبات و احساسات و تأثرات انسانی جلب توجه نموده و انسان را مسحور می‌سازد. لیکن گناه این بی‌گناهان در این زمینه این است که ایشان هیچ‌گاه ادب و انشاء و نگارش را به جهت پیشه و شغل مستقل

خویش یا وسیله‌ای برای اظهار کمالات‌شان نساختند و موضوع بیشتر نوشته‌هاشان دینی و علمی است، نکته دلچسب و عبرت‌انگیز این است که نویسندگی دو عنوان کتاب می‌نویسد، یکی همه‌اش تکلف و تصنع، و دیگری ساده و بی‌تکلف، محیط زندگی و اجتماعی که وی در آن زندگی می‌کند، و حلقه‌های ادبی آن، تصنیف نخستین را پسند نموده و طنین تحسین و تقدیرشان از این نوشته گوش فضا را کر و زلزله در زمین می‌اندازد، و شاید خود مصنف نیز همان کتاب را سرمایه ناز و حاصل زندگی و افتخار بداند، لیکن زمانه حقیقت پسند و انقلاب‌روزگار در نهایت قضاوت صحیح را به عمل می‌آورد. کتاب‌های پرتکلف در قفسه‌های کتابخانه‌ها هم‌چنان مانده و کتاب‌های ساده و زندگی بخش خلعت دوام و بقای جاودان یافته و هم‌چو گلشن بی‌خزان همیشه بهار جلوه می‌کند. یکی از آثار فاخر ابن جوزی به نام المدهش «حیرت‌انگیز» ناشناس و گمنام مانده لیکن کتاب بی‌تکلفش به نام صیدالخطار «شکار دل» که در آن با نهایت سادگی تجربه‌های روزمره زندگی و خاطراتش را به رشته تحریر درآورده بود، کتابی که شاید خود نویسندگی نیز برای آن این قدر اهمیت قایل نبود، امروز دارای مقبولیت و پسند عامه و مرکز توجه دوست‌داران و دانشجویان ادب واقع شده است. تاریخ ادبیات فارسی نیم‌قاره را بررسی کنید در این جا در حلقه‌های ادب و انشا نیروی ادبی، بر ابوالفضل ظهوری و نعمت‌خان سایه افکننده

و احاطه نموده است در حالی که اگر در انشاء اظهار و بیان مؤثر حقایق و احساسات و جذبات معیار قرار داده شود بیشترین قسمت نوشتار آن‌ها که دارای لفاظی صنایع و بدایع بوده و مشحون از زیور رعایت‌های لفظی است، قیمت و ارزش خود را از دست می‌دهد، و بخشی ناچیز بر معیار فطری ادب و انشاء و نگارش منطبق می‌ماند، در مقابل آن بسیاری از تصانیف قابل اعتنا و توجه و اعتماد به جا می‌ماند که آن را به طور عموم مورخین ادب و ناقدین خو گرفته به تقلید، همیشه از نظر افکنده‌اند. بخش زیادی از مکاتیب و نامه‌های حضرت شیخ شرف‌الدین یحیی منیری، و حضرت شیخ احمد فاروقی سرهندی مجدد الف ثانی «رقعات» عالمگیر «ازاله الخفای» شاه ولی‌الله محدث دهلوی و «تحفه اثنا عشریه» شاه عبدالعزیز صاحب، نمونه‌های بارز و قابل توجه ادب و نگارش فارسی می‌باشد. به نظر می‌رسد که عبور از مرزها و حدود دایره ادب هر زبانی که به وسیله پیشتازان آن کشیده شده است و یا ذخیره علوم و فنون دیگر را نقد و بررسی نمودند و دست یافتن به شاهکاری ادبی جدید، به طور عموم مورد پسند قرار نمی‌گیرد، و به این صورت تا قرن‌ها، این گوهرهای ناب ادبی در زیر خاک پنهان می‌ماند.

در سلسله ادب و انشاء به طور عموم مورخان و نقادان بیشتر به این حقیقت توجه نداشته‌اند که بیشترین عنصری که کمک می‌کند تا اثری بقا داشته باشد، کیفیات درونی نویسنده، یقین

و جذب قلبی وی، و ناآرامی و بی‌تابی او برای اظهار حقیقت است.

آری: مشایخ چشتیه از این کیفیت درونی سرشار و برای به وجود آوردن آن در دیگران نیز مضطرب و بیقراراند. چون قدرت ذوق سلیم به او عطا شده است. بر الفاظ و شیوه‌های بیان نیز تا حدّ ضرورت احاطه دارد. و در تحریر و در نوشتارش همراه با علم و دانش و ادب، عقل و استدلال و حسن بیان، سوز درون و خون جگر نیز موجود است. بنابراین در نوشته وی آن چنان اثر قوی به وجود می‌آید که در زمان و محیط خویش، هزاران دل را تسخیر می‌نماید، و بعد از گذشت سال‌های طولانی نیز، زندگی و طراوت و تازگی و تأثیر و قوت تسخیر آن باقی و استوار می‌ماند.

تلاش و مسایع پیگیر و مجدانه مشایخ سلسله عرفانی چشتیه در شبه قاره هند، تصنیفات و تألیفات آنان به زبان فارسی خود گویای سندی محکم دال بر نقش بی‌بدیل مشایخ این سلسله در گسترش زبان فارسی در شبه قاره است. همان‌طور که ملاحظه شد آثار علمی و ادبی مشایخ چشتیه، از دوانین شعر، ملفوظات و مکتوبات این حضرات برمی‌آید که آنان سهم بسیار زیادی در گسترش زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره داشته‌اند.

امید است با بررسی و تحقیق گسترده در این باب موفق به کشف آثار جدیدی در این حوزه باشیم و نیز با تصحیح این متون ارزشمند فارسی به چاپ منقح آنان همت گماریم.

منابع

- آریا، غلامعلی، ۱۳۶۵: طریقه چشتیه در هند و پاکستان، تهران.
- بابری، داراشکوه، ۱۳۱۸: سفینه الاولیا، کانپور.
- بهار، محمد تقی، ۱۳۷۵: سبک شناسی، ج ۲، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- جامی، عبدالرحمن، ۱۳۷۰: نفحات الانس، چاپ محمود عابدی، تهران.
- جمالی دهلوی، حامدین فضل‌الله، ۱۳۱۱: سیرالعارفین، چاپ سنگی دهلی.
- جهان‌آبادی، کلیم‌الله، ۱۳۹۸/۱۹۷۸: کشکول کلیمی، چاپ ملک محمد اقبال، راولپندی.
- حسنی، عبدالحی، ۱۹۸۳/۱۴۰۳: الثقافه الاسلامیه فی‌الهند (معارف‌العوارف فی انواع‌العلوم و المعارف)، چاپ ابوالحسن علی حسنی ندوی، دمشق.
- دهلوی، حسن‌بن علی حسن، ۱۳۷۷: فوائدالفوائد: ملفوظات خواجه نظام‌الدین اولیاء بدایونی، تصحیح محمد لطیف ملک، چاپ محسن کیانی، تهران.
- دهلوی، عبدالحق، ۱۳۸۳: اخبار الاخیار فی اسرار الابرار، چاپ علیم اشرف‌خان، تهران.
- سیدبری، سید اکبرین سیدمحمد ۱۳۶۶: کتاب العقاید، چاپ سیدعطا حسین، چاپ سنگی حیدرآباد، دکن.
- عبدالرحمان، صباح‌الدین، ۱۳۶۹/، ۱۹۴۹: بزم‌صوفیه، چاپ مسعود علی صاحب ندوی، اعظم گره.
- فرشته، محمدقاسم‌بن غلامعلی، تاریخ فرشته (گلشن ابراهیمی)، لکهنو: مطبع منشی نولکشور، (بی‌تا).
- گیسودراز، محمدبن یوسف، ۱۳۶۲: مکتوبات، چاپ سیدعطا حسین، حیدرآباد، دکن.
- لاهوری، غلام سرور، ۱۳۳۲/۱۹۱۴: خزینه الاصفیاء، کانپور.
- منزوی، احمد، ۱۳۶۲-۱۳۷۰ ش: فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، اسلام‌آباد.
- میرخورد، محمدبن مبارک، ۱۳۵۷ ش: سیرالاولیاء در احوال و ملفوظات مشایخ چشت، لاهور.
- نخشی، ضیاء‌الدین، ۱۳۶۹ ش: سلک السلوک، چاپ غلامعلی آریا، تهران.
- نظامی، خلیق احمد، ۱۹۸۰: تاریخ مشایخ چشت، ج ۱، دهلی.
- نفیسی، سعید، ۱۳۴۴ ش: تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، تهران.
- نوشاهی، شریف احمد شرافت، ۱۳۹۹/۱۹۷۹: شریف‌التواریخ، ج ۱: تاریخ الاقطاب، گجرات.
- نوشاهی، عارف، ۱۳۶۵ ش: فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش، اسلام‌آباد.
- The role of cheshtieh`s theosophist on language and Persian literature extension on subcontinent
- Arefi mina abad. Raheb: student of language and Persian literature doctoral, Islamic azad university, Tehran research q sciences branch.